

متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم «شهید رئیسی و عبور از لویاتان» امیرالمومنین (علیه السلام): «آفة الاعمال عجز العمال» آفت کارها، ناتوانی کارگران است. یا می‌فرماید: «بخفض الجناح تنتظم الامور» با افتادگی کارها نظم و ترتیب پیدا می‌کند. اگر زبان، سخن از ساحت وجود می‌زند پس تجلی حقیقت است و حقیقت روشنی گاه تاریخی امروز ماست که انتظار ما در امتداد این حقیقت به ظهور منجر خواهد شد و اجر انتظار در سختی و گذران همین تاریخی است که باید در آن حاضر شود و جایگاه خود را در آن بیابد تا در نقش آفرینی جبهه ی حق حاضر باشد و در میان منتظران معنا پیدا کند و گرنه در مقدس ترین مناصب هم که باشد از تاریخ خود بیرون است. سخنی با شهید سید ابراهیم بار دیگر به میان آمد تا بار دیگر زبان به سخن آید و گویی این جان‌ها هستند که آنگاه که مستعد شنیدن سخنانی از جنس حقیقت می‌شوند خداوند به سخن می‌آید و تاریخ را از صدایی پس از صدایی پر می‌کند. حوادثی است که ما آنرا ایام الله می‌نامیم و روزهای و ایامی که خداوند به میان بشر آمد و بیعتی دوباره بود میان انسان با خدا در زمین و پاسداشت عهد قدسی بشر امروز و ملاقاتی با ساحت معنوی انسان که نوید و بشارت خبرهایی را برای او به ارمغان آورده است تا انسان را از جمود و تحجر دیروز اش آزاد کند و در فردای گشوده ی انسانی اش حاضر کند و اینبار با سید ابراهیم شاهد ایام الله دیگری در تاریخ انقلاب اسلامی بودیم و این همواره ای است پس از همواره و این همان بارقه های فتوح قدسی محمدی است که خدا در تاریخ با رسول اش محمد (صلی الله علیه و آله) در میان گذاشت و حال مائیم و این فتوحات و این گشودگی ساحت معنایی انقلاب اسلامی که به سوی ما آمده است تا ما را در برگیرد و بایست ما از آن استقبال کنیم و خود را در آن معنا ببخشیم و گرنه همراه با تاریخ جامعه مدنی و مناسبات بورژوازی اش به انزوای تاریک سرد آبسوردیسم و مناسبات تنگ سکولار و گسیختگی آرمان لیبرالی تاریخ غرب خاموش و بی صدا افسرده و بی رمق زمین خواهیم خورد. شهید سید ابراهیم درست در نقطه ی بریدگی آدم از جامعه ی مدنی به سراغ مان آمد تا وجه دیگر از انس و ارتباط را به سیاست برگرداند که سیاست تاریخ پس فردایی ماست و انسان دگر باره خود را در عین انسانیت و دیانت دچار سیاست می‌یابد اما سیاستی برای فتح و گشودگی روشنی گاه های فرداهای پیش رو و پشت کردن به گذشته ی بی اخلاقی مناسبات سیاسی فرهنگ زده ی غرب که آدمی را صورت خیالی معادله های قدرت و ثروت خود می‌بیند و اگر انسان را در صحنه می‌آورد برای تمتع بهره ی سیاسی و قدرت خودش می‌باشد. شهید سید ابراهیم ما را از لویاتان با تمام لوازمش عبور داد و انسان را بار دیگر در تاریخ فردایش شریک کرد و برای او افقی از حضور در سیاست را معنا بخشید

یک ارتباط دو سویه که خود را خادمی برای حضور تاریخی انسان در نسبت با زندگی فردایی اش می دانست و انسان را فرصتی برای تحول بخشی و میدان داری دولت ها و این یعنی عبور از لویاتان با همه ی لوازمش. شهید سید ابراهیم الگوی رابطه ی قدرت با طبقه را بهم زد و طبقه را برداشت و دولت را برساخت قدسی انسان هایی کرد که می خواهند برای تاریخ فردای پر شکوه شان نقش آفرین باشند و این یعنی بهم زدن الگوی لویاتان که از لوازم تفکر لیبرال و سکولار غرب بود و انسان برای قدرت بایست در میدان سیاست بجنگد و اگر می خواهد باقی باشد باید همچون سیاسیون مشهور دنیا طلب و دنیا زده شود و گرنه جایگاه اجتماعی اش تضعیف خواهد شد. اما ما با انقلاب اسلامی و طرح جمهوری اسلامی یک نگاه و منظر دیگر را با خود به نمایش گذاشتیم که اگر با زبان وجودی به تبیین آن نپردازیم قطعاً جفا کردیم. شهید سید ابراهیم تحقق عینی مردم در بستر سیاست در افق گشوده ی معنویت تاریخ است. شهید سید ابراهیم ظهور و تجلی اراده ی بشری است که از سیاست زمانه ی جهانی خسته شده و به دنبال حقیقت خودش در میدانی می گردد که بازیگر واقعیت باشد نه بازیگر فریب وعده ها و قول های سیاسیون و این آن هویت بخشی بود که ما با شهید سید ابراهیم به تاریخ بازگردانیم و حفظ آن به میان آورن زبان حقیقت است تا گوش ها و جان های آماده را به این سخن بنوازم و آماده ی فرداهای پیش رو کنیم. ابتدا باید بدانیم با شهادت سید ابراهیم چه بر ما گذشته و چه چیز به ما رو آورده تا بتوانیم باب سخن را باز کنیم. (نمی دانم شاید به عقیده ی بنده در این چهل روز از شهادت سید عزیز نتوانستیم از آنچه که با این شهادت به ما رو آورد سخن بگوییم و با دوستان صحبت کنیم و گرنه شاهد این همه بد اخلاقی ها و سردرگمی ها و تحیرات در میدان سیاست امروز در میان حامیان کاندیدها نبودیم! احساس می کنم این دعوایها به خاطر آنی است که نمی دانیم چه شده و چه بر ما آمده و ما در چه زیست جدیدی از عالم سیاست قرار گرفتیم و چه زبان و زمانی به ما رو آورده است تا بجای آنکه گرفتار دعوای لفظی باشیم و خود را در درگیری های سیاست زده معطل کنیم به استقبال حقیقتی می رفتیم که تحفه ی الهی بود که خدا با سید ابراهیم به ما داد. آری گویی هنوز ما خودمان را با آن نفعات ایامی که وعده هایش را پیر انقلاب و مرشد به حق اش داده اند نا آشناییم و در انتظار به سر نمی بریم! آری، ما در انتظار به سر نمی بریم و گرنه منتظر را با حقیقت در هر ساحتی از صحنه های تاریخ اش مواجهه ای است از جنس حقیقت و از جنس حضوری بعد از حضور) بگذریم، به هر حال آنچه امروز بیش از گذشته ما را امیدوار می کند طلوع و شروق انوار انسانی است که از دل جمهوری اسلامی ایران برخاسته و پشت به تاریخ اتانومی و خود بیگنگی بشر خودش را در ذیل حکومت الهی نقش آفرین و بازیگر میدان حقیقت می یابد و این صدای خدا در تاریخ پیچیده شده و گوش آدمی آن را شنیده است و یقظه ی آدم رخ داده و ما باید متناسب با این آدم و این تاریخ و این زمانه با او سخن بگوییم و اگر کمتر از این با بشر جرف بزیم ظلمی است که هم به خود داشتیم و هم به او زیرا استعدادی به میان آمده است که آدمی فهم سخنان متعالی را با این رخدادها کسب کرده است و تصدیق می کند که امروزمان دیروز نیست و فردای مان باید بس روشن

تر از امروز باشد. این سخن را اگر جبهه ی انقلاب همراه با رهبری در همان روز شهادت آقا سید ابراهیم اگر دریافته بود ما امروز بسی راحت تر در نسبت با کاندیدایی که باید برای فرادهای تاریخی جمهوری اسلامی همراهی کنیم همراهی می کردیم به نظر می رسد باید گفت و باز باید گفت تا خودمان را در حضور آن ساحتی که رهبری از آن می گوید و با این شهادت این شهیدان برای مان منکشف می شود و رخ می نمایاند پیدا کنیم و باز هم باید منتظر بود و به گفت نشست و از این حقیقت امروزمان دم زد و گفت تا تمام ساحت هایمان را در بر بگیرد و ما را از این تحیر به در آورد تا سلوک همگانی مان شود و این می شود اگر گوش هایمان را به سمت سخنان حقیقی بگشاییم و با خود عهد کنیم تا زبانمان زبان گفت حقیقت شود و چشم هایمان نظرگاه افق های حقیقی باشد به خدا می شود آنچه آن که در دفاع مقدس رخ داد و جوانان بسیجی مان را از حجاب غلیظ و عمیق و گناه آلود پهلوی نجات بخشید امروز هم جوانی که خسته و نا امید از گناهان امروز خویش است بداند جایی که می تواند خود را از چنگال گناهان عالم و عصر غفلت مدرن نجات بدهد و برهاند دامن قدسی انقلاب اسلامی است و آن اراده ای که در او بایست پدید آید تا چنان و قلب اش منظرگاه عالم عهد قدسی شود تا خطورات گناه نتواند اهوای نفسانی اش را و امیال حیوانی اش برانگیزاند این خیمه ی انقلاب اسلامی است که توان آن را دارد تا این جوان را به یک سالک عاشق و عارفی شب زنده دار در میدان فتوحات معنوی و ليله اقدری اش برساند اما عمده حاضر شدن و گشودن سینه ای است که قلب اش را نور این حقیقت در بر گیرد و صدای حق در این تاریخ به گوشش برسد ولو گناهان گذشته اش معادل گناه جن و انس باشد! در این زمینه بحث بیش از این است که بر قلم آمد اما احساس می کنم در مسیر راه حقیقت بقیه را خود راه بگویدمان که چون باید بود. التماس دعا و عذر خواهم بابت تصدیع وقت شریف استاد و مخاطبین.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بحمدالله نویسنده متن فوق نکات بسی ارزشمندی را با ما در میان گذاشته اند در راستای حضور تاریخی رخدادهای شهادت آیت الله رئیسی. و اینکه ما می توانیم معنای حضور در میدان سیاست را با روحی جدید درک کنیم. و از آن طرف ایشان به خوبی متذکر می شوند که چگونه اگر حتی افراد متدین به انقلاب متوجه تاریخ خود نباشند و آینده ای که انقلاب اسلامی پیش آورده، چگونه نمی توانند مفتخر به عالی ترین انتخاب شوند که آن، مواجهه با حقیقت است در دل یک تاریخ. بیش از این که بنده بخوهم سخن بگویم متن آن عزیز با ما حرفها دارد. تنها تقاضای بنده از نویسنده این نکات ارزشمند آن است که پس از نوشتن، سعی بفرمایند با ویرایش خود، متن را برای فهم خواننده آماده تر نمایند به جهت آن که نقص هایی در نوشتن پیش آمده است. موفق باشید